

مسکن
به سقف قدرت خرید رسید

خانه تا کجا می تواند
گران شود؟

صفحه ۵

نیاز اقتصاد ایران



چرا مهار نقدینگی در ایران اینقدر دشوار است؟

اقتصاد بانک محور و معمای تورم

آن بانک‌ها تقریباً تنها بازگرای اصلی تأمین سرمایه هستند. اقتصاد ایران در دهه‌های گذشته به تدریج به اقتصادی بانک‌محور تبدیل شده‌است. **صفحه ۲ را بخوانید**

ریشه تورم تنها در رشد قیمت ارز یا افزایش هزینه کالاهای وارداتی خلاصه نمی‌شود؛ بخش مهمی از آن به ساختار تأمین مالی اقتصاد ایران بازمی‌گردد؛ ساختاری که در

قیمت، نه تنها قدرت خرید مردم را کاهش می‌دهد، بلکه فضای تصمیم‌گیری برای تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران را نیز پیچیده‌تر می‌کند. با این حال، برخلاف تصور رایج،

تورم در اقتصاد ایران سال‌هاست از یک شاخص آماری فراتر رفته و به مهم‌ترین دغدغه سیاست‌گذاران اقتصادی، بنگاه‌ها و خانوارها تبدیل شده‌است. هر موج جدید افزایش

غم‌نامه‌ای در سوگ شادی کوهستک

وامیر علی کودکی که برای جشن رفت
اما جنگ اورا با خود برد

باز هم جنایت

انفجار به خنده‌ها
رنگ خون زد

آ آشوب دیدند. لباس‌های مهمانی جای خود را به لباس بیمارستان داد و خانواده‌ها به جای تبریک گفتن، در جست‌وجوی عزیزانشان بودند. در این حمله، ۶۸ نفر مجروح شدند و چند نفر جان باختند.

◀ **امیر علی برای جنگ رفته بود**

در میان قربانیان، کودکی چهار ساله نیز بود؛ امیر علی کریمی برای دیگران، امیر علی ممکن است تنها نامی در فهرست قربانیان باشد، اما برای مادرش همان کوچک‌ترین پسر خانه است؛ کودکی با سوال‌های تمام‌نشدنی، سیخط‌های کودکانه و خنده‌ای که خانه را زنده می‌کرد.

امیر علی برای جنگ رفته بود. قرار نبود با صدای انفجار رو به‌رو شود. فقط می‌خواست لباس نوبپوشد، به عروسی برود، کنار بچه‌های فامیل بازی کند و شلوغی جشن لذت ببرد. مقصدش عروسی بود، نه میدان جنگ.

امیر علی تنها چهار سال داشت. هنوز مدرسه، دوست پیدا کردن، بازی‌های کودکانه، بزرگ شدن و هزاران تجربه

در جنوب، عروسی فقط جشن پیوند دو نفر نیست؛ یک اتفاق خانوادگی و اجتماعی است. از ساعت‌ها قبل خانه‌ها پر از رفت‌وآمد می‌شوند، لباس‌های نو پوشیده می‌شود، کودکان با شوق میان بزرگ‌ترها می‌دوند و موسیقی و خنده فضای مراسم را پر می‌کند. شادی در عروسی‌های جنوب حال‌وهوای دیگری دارد؛ انگار خوشحالی یک خانواده، خیلی زود به شادی همه اطرافیان تبدیل می‌شود.

قرار بود سه‌شنبه شب در شهر بندری کوهستک شهرستان سیریک نیز چنین شبی باشد؛ شبی برای آغاز زندگی یک زوج جوان. خانواده‌ها آماده جشنی بودند و کودکان، بی‌خبر از آنچه در پیش است، راهی مراسم می‌شدند. اما حوالی ساعت ۲۰، صدای انفجار همه چیز را تغییر داد.

◀ **شیون جای شادی را گرفت**

جایی که باید صدای تبریک و موسیقی شنیده می‌شد، فریاد و شیون پیچید. مهمانانی که برای جشن آمده بودند، ناگهان خود را در میان دود، ترس

یادداشت- ۲

راهکار عبور از ناترازی بنزین (۲)

وقتی واقعیت‌های موجود پیام را در رفت‌وآمدی که فشرده‌کاری می‌دهیم، در می‌یابیم که سرانه مصرف بنزین ایران بالاتر از میانگین جهانی است، بخش عمده‌ای از این مصرف ناشی از ضعف خودروها، نالوگان فرسوده، ساختار اشتغال و قاچاق

است، قاچاق در مقیاسی کلان جریان دارد و تولید داخلی از مصرف روزانه عقب افتاده است. به همین دلیل، اگر تمام تمرکز سیاستگذاران فقط بر کاهش مصرف مردم باشد، گریه از کار گشوده نخواهد شد و هر اقدام تک بعدی در بهترین حالت مسکنی کوتاه‌مدت خواهد بود. مساله بنزین در کشورمان حاصل یک نظام نادرست در تخصیص ارزش، ریسک و پاران است.

در یک اقتصاد سالم، قیمت‌ها بازتاب‌دهنده هزینه‌های واقعی تولید، آلودگی، ترافیک، تصادفات و هزینه فرصت منابع هستند، اما وقتی بنزین و خودرو هر دو با قیمت غیرواقعی عرضه می‌شوند، عملاً هزینه‌های مصرف امروز به آینده، به بودجه عمومی واگذار می‌شود. این تسخیم می‌شود، از این منظر، ناترازی بنزین صرفاً کمبود فیزیکی سوخت نبوده بلکه نوعی بی‌عدالتی در توزیع هزینه‌ها و منافع است. در حقیقت، سیاستی که پاران‌ه بنزین را به مالکیت خودرو پیوند می‌زند، ذاتاً ناعادلانه است، زیرا

جشن، به جای خاطره‌ای شیرین، برای بسیاری با تصویر آمبولانس، بیمارستان و صدای گریه گره خورد.

◀ **صدای انفجار به خنده‌ها رنگ خون زد**

برای خانواده عروس و داماد نیز این شب دیگر معنای سابق را ندارد. شبی که باید با عکس‌های یادگاری، تبریک و آرزوی خوشبختی در دهانشان ثبت می‌شد، با صدای انفجار و سوگ عزیزان همراه شد. جنگ گاهی بدون هشدار وارد زندگی آدم‌ها می‌شود؛ درست در لحظه‌ای که خانواده‌ای برای جشن آماده است، کودکی در لباس مهمانی منتظر رفتن به مراسم است و دو جوان می‌خواهند فصل تازه‌ای از زندگی خود را آغاز کنند.

آن شب، فاصله میان شادی و سوگ تنها چند لحظه بود. ناگهان خنده‌ها رنگ خون گرفت و هلهله جایش را به شیون داد. مادرانی که قرار بود فرزندانشان را در جشن تماشا کنند، نگران سلامت آنها شدند. پدرانی که باید کنار خانواده می‌نخستند، در میان بیمارستان و محل حادثه به دنبال خبری از عزیزانشان بودند.

یادداشت- ۳

بورس در دوراهی ریسک سیاسی و اختلال معاملات

خلیج فارس و آب‌های جنوبی کشور است. بازار سهام ذاتاً بازاری با ریسک‌پذیری مشروط است و نسبت به اخبار پیرامونی به سرعت موضع دفاعی می‌گیرد؛ به‌ویژه آنکه این شوک‌های سیاسی – نظامی دقیقاً در شرایطی بر تابلوی بورس تحمیل شده‌اند که شاخص‌ها پس از یک رالی صعودی قدرتمند به سقف‌های تاریخی و رالی خود نزدیک شدند و بازار از لحاظ تکنیکال و روانی در محدوده مقاومت‌های سخت قرار دارد.

دومین متغیر که بستر ساز تضعیف اعتماد سهامداران شد، بروز نقص فنی و اختلال دوباره در هسته مرکزی معاملات بود. ناتوانی زیرساخت‌های معاملاتی کشور در پاسخگویی به حجم سفارش‌ها – به‌ویژه ففل‌شدن ابزارهای مشتقه و بازار آپشن – تنها به یک اختلال موقت و افت مقطعی قیمت‌ها محدود نخواهد شد.

محروم شدن معامله‌گران از مدیریت ریسک، اعمال پوزیشن‌های نامرئی و ثبت سفارش‌های خروج یا ورود، هزینه‌ای نامرئی اما سنگین به دنبال دارد. این قبیل آسیب‌های زیرساختی در میان مدت و بلندمدت، سرمایه‌گذاران حرفه‌ای را دچار تردید و فرسایش روانی کرده و ممکن است به خروج بخشی از سرمایه‌های هوشمند به سمت سایر بازارهای موزای و شفاف‌تر بینجامد. با این وجود، ارزیابی وضعیت بنیادی بازار حکایت از آن دارد که پرهنده رشد بورس تهران هنوز بسته نشده است. **ادامه در صفحه ۴**



به شماره ۳۲۰۵۳۰۰ در دسترس شماست

مخاطبان عزیز می توانند نظرها، انتقادات و پیشنهادهای خود در مورد مطالب مختلف روزنامه را

با ذکر جزئیات به این سامانه پیامک نمایند.

روایت موج باز گشت به مدارس دولتی
و ظرفیت محدودی که پاسخگو نیست

شهریه غیردولتی‌ها
خارج از توان خانواده‌ها

صفحه ۸

«تعادل» روند معاملات
بازار سهام را بررسی می‌کند

تقابل نقدینگی
و هراس در بورس

بازار سهام در پایان آخرین روز کاری هفته، نمایشی تمام‌عیار از آسیب به اعتماد در برابر ریسک‌های سیستماتیک و زیرساختی را به نمایش گذاشت. بورس سه‌طی روزهای گذشته با دست‌عوامل مختلفی چون انتظارات تورمی و عوامل این چنینی در مسیر فتح کانال‌های جدید گام برمی‌داشت؛ اما در پایان معاملات چهارشنبه با چرخشی قابل توجه، تن به افقی معنادر داد و از محدوده‌های... **صفحه ۴ را بخوانید**

تجارت پس از جنگ:
از مسیرهای پرریسک
تا کریدورهای جایگزین

تجارت ایران
هنوز نفس می‌کشد

فرشته‌فرداس | جنگ و تحریم تجارت خارجی ایران را متوقف نکرده‌اند، اما هزینه و ریسک آن را افزایش داده‌اند؛ از کاهش تردد دریایی و بالا رفتن هزینه‌های حمل‌ونقل و بیمه تا دشواری‌های نقل‌وانتقال مالی در چنین شرایطی. ایران، به جای اتکا به مسیرهای سنتی، در حال بازطراحی جغرافیای تجارت خود است؛ از تمرکز بیشتر بر همسایگان و توسعه مسیرهایی مانند بندر دربهره‌گرفته تا تلاش برای ایجاد سازوکارهای پرداخت جدید و استفاده از ظرفیت پیمان‌های منطقه‌ای. با این حال، پرسش اصلی این است که آیا تغییر مسیر می‌تواند تجارت ایران را از زان‌تر و رقابت‌پذیرتر کند یا فقط راهی برای زنده نگه‌داشتن جریان مبادلات است؟ فشارهای تحریمی و افزایش ریسک‌های ژئوپلیتیکی در ماه‌های اخیر، تجارت خارجی ایران را با چالش‌های تازه‌ای مواجه کرده‌است، اما شواهد موجود نشان می‌دهد رویکرد ایران بیش از آنکه بر مقابله مستقیم با محدودیت‌ها متمرکز باشد، به سمت تنوع‌بخشی به مسیرهای تجاری، توسعه تجارت... **صفحه ۷ را بخوانید**

یادداشت- ۴

گزینه‌هایی
برای مدیریت ارز

بخشی از افزایش نرخ ارز که در کشور اتفاق می‌افتد، معلول افزایش نقدینگی است و در ادوار گذشته نیز نسبت و رابطه مشخصی میان این دو متغیر وجود داشته است. مساله مهم‌تر در شرایط فعلی این است که

ایمان زنگنه

کشور با موضوع جنگ مواجه است و مسائل سیاسی

تأثیر بسیار زیادی بر متغیرهای اساسی اقتصادی دارند. به نظر می‌رسد جنس تحولاتی که اکنون در بازار از اتفاق می‌افتد، بیشتر از جنس شوک‌های غیراقتصادی یا سرریز اخبار و تاملات سیاسی است؛ به‌ویژه آن ناحیه ایالات متحده یک جبهه تمام‌قد علیه کشور باز شده و تمام توان و ظرفیت رسانه‌ای دیگر صرفا یک نبرد نظامی نیست و به نوعی در حال تبدیل شدن به نبرد اقتصادی است. تمام وجه همت وزیر خزانه‌داری و رئیس جمهور امریکا، انگار گزاری بر بازار و وضعیت اقتصادی است؛ به نظر می‌رسد آنها به‌عهریختگی وضعیت ارزی کشور را به عنوان یکی از راهکارهای خود دنبال می‌کنند. با توجه به اینکه در موضوع سیاسی، به هدف مطلوب خود نرسیده‌اند، احساس می‌کنند راهکار اقتصادی می‌تواند موفق‌تر و کم‌ضررتر باشد.

با توجه به کنترلی که امریکا بر بازار تجارت بین‌الملل دارد و همچنین استفاده از جایگاه جهانی دلار، این موضوع می‌تواند به ابزاری برای تشدید ضربه و هجوم به اقتصاد ایران تبدیل شود. امیدوارم بانک مرکزی که به‌عنوان سکاندار این حوزه فعالیت می‌کند، به مدیریت انتظارات توجه داشته باشد. ریسک کل بانک مرکزی به تازگی صحبت‌های آرامش‌بخشی درباره کافی بودن ذخایر و آمادگی برای استفاده از ظرفیت‌های موجود مطرح کرده و اعلام شده‌است که در صورت نیاز، حتی تا حجم دو میلیارد دلار توان مداخله وجود دارد. امیدوارم این تآبوری باعث شود یک پیرپوزی تاریخی برای کشور رقم بخورد. از سوی دیگر، مدیران نیز باید واقعا چابک باشند و با سرعت و چابکی عمل کنند. اگر اقدام غیرضروری وجود دارد، باید مصرف آنها به آینده موکول شود. باید کاری کنیم که تقاضای ارز غیرضروری یا تقاضای کم‌امکان انتقال آن به آینده و موقعیتی دیگر

دارد، به زمان دیگری موکول شود. امیدوارم بانک مرکزی و مدیران کشور با صحبت‌های آرامش‌بخش و اطمینان‌بخشی که مطرح می‌کنند، در کنار اتفاقات واقعی، بتوانند شرایط را مدیریت کنند، چرا که همه اتفاقات معلول مساله انتظارات نیست و باید به این موضوع دقت کنیم. باید به کشور آرامش تزریق کرده و تلاش کنیم از طریق معرفی و تبیین واقعی مسائل اقتصادی، مردم را در شرایط قرار دهیم. البته این موضوع با خبرفروشی متفاوت است؛ اینکه موضوعی که واقعیت ندارد به مردم گفته شود، قابل قبول نیست. باید با اطمینان و پایداری در میان بگذاریم و آنها را تا جایی که امکان دارد در جریان مسائل قرار دهیم و در مقابل، انتظار همراهی از آنها داشته باشیم. همچنین باید یک گشایش کوتاه‌مدت را نیز به مردم وعده بدهیم.



آلبرت بغزبان

ناترازی‌ها و سیاستگذاری‌های ناکارآمد داخلی در هدایت این بحران چقدر است؟ معادله‌ای پیچیده که در آن «علت معلول» جای خود را به چرخه‌ای خودافزاینده داده؛ ناترازی که ریشه‌های ساختاری کسری بودجه، افت سرمایه اجتماعی و التهابات پیرامونی مهارنشود، هرگونه مداخله مقطعی تنها به تعمیق انتظارات تورمی و نااطمینانی بیشتر دامن خواهد زد.

یکی از مناقشه‌برانگیزترین مباحث در اقتصادسیاسی ایران، تفکیک سهم عوامل خارجی نظیر تحریم‌ها، محاصره اقتصادی و سایه مداوم تنش‌های منطقه‌ای از بی‌انضباطی‌های مالی و سوءمدیریت داخلی در جهش‌های مکرر نرخ ارز و نرخ تورم است. بدون تردید فشارهای تحریمی و سایه سنگین تهدیدات ژئوپلیتیک به عنوان پیرشران‌های اصلی نااطمینانی عمل می‌کنند، اما نکته کلیدی در نحوه تبدیل این شوک‌ها به متغیرهای مخرب داخلی از کانال «انتظارات تورمی» نهفته است. در اقتصادی که در دولت‌های مختلف تجربه تاریخی کاهش مداوم ارزش پول ملی را پشت سر گذاشته، هر شوک سیاسی یا خبری بلافاصله رفتار اقتصادی جامعه را دگرگون می‌سازد. مردم و فعالان اقتصادی برای صیانت از قدرت خرید و حفظ ارزش دارایی‌های خود، ریسال را به نقدشوندترین و مطمئن‌ترین دارایی‌های جایگزین تبدیل می‌کنند؛ دارایی‌هایی که در خط مقدم آنها، زوطلا قرار دارد و در نهایت به کالا و خدمات مصرفی یاسرما بهی تبدیل می‌شود. این رفتار عقلانی فردی، در سطح کلان به یک پارادوکس بزرگ و «دور باطل» ویرانگر تبدیل می‌گردد. افزایش تقاضا برای دارایی‌های امن، جهش قیمت ارز را رقم می‌زند. افزایش نرخ ارز هزینه‌های تولید و واردات را بالا برده و تورم عمومی را تشدید می‌کند و تورم سنگین‌تر مجدداً به آتش انتظارات منفی دمیده و به عنوان موتور محرک جدیدی برای تقاضای بیشتر در بازار ارز عمل می‌نماید. در علم اقتصاد، این بحث کلاسیک مطرح است که آیا تورم علت افزایش نرخ ارز است یا نرخ ارز عامل تورم؟ واقعیت میدانی اقتصاد ایران اثبات می‌کند که این رابطه دیگر تک‌عاملی نیست، بلکه رابطه‌ای کلاً مدوطر و هم‌افزاست که به شکل یک مارپیچ صعودی دارایی‌ها و قیمت‌ها را به بالا پرتاب می‌کند. شکستن این حلقه نشود تنها با افزایش هیجانات در بازار امکان نیست؛ زیرا اتا زمانی که ریشه‌های تورم‌زا و متغیرهای کلان مانند کسری بودجه پلر جا هستند، آتش خاموش نخواهد شد.

در این میان، دولت و سیاستگذار پولی در مواجهه با ناترازی‌های پایان سال و تأمین منابع مورد نیاز برای کالاهای اساسی اغلب به ابزارهای تکراری و پرهزینه

روی می‌آورند. رویکرد مرسوم یعنی ارزپاشی و تزریق منابع به بازار برای مهار موقت قیمت‌ها، بارها ناکارآمدی خود را نشان داده است؛ کمالاتکه تجربه گذشته گواهی می‌دهد تزریق منابع ارزی در نرخ‌های غیرواقعی نتوانسته است کف‌های قیمتی پدیدار ایجاد کند؛ تنها به فرسایش ذخایر استراتژیک کشور منتهی شده‌است. زمانی که مقام پولی بالحنی اطمینان‌بخش اعلام می‌کند؛ آرامدهای ارزی کاهش یافته اما ذخایر برای پاسخگویی کافی است، بازار این پیام را در رفت‌وآمدی که فشرده‌کاری می‌دهد، پشت صحنه در حال تشدید است و دولت ناگزیر به پذیرش نرخ‌های بالاتر در حراج‌ها یا بازار آزاد خواهد بود. علاوه بر این، تناقضات ارتباطی و هجوم اخبار متضاد پیرامون فروش نفت و امنیت ابراهه، شکاف عمیقی میان افکار عمومی و نهادهای رسمی ایجاد کرده‌است. هنگامی که طرف‌های خارجی بر تسداد

شرایع نفتی تأکیدی کنند؛ در داخل بی‌پایه‌های متناقض‌ساز می‌شود؛ بی‌اعتمادی عمومی به نقطه اوج می‌رسد. در چنین بستر شکننده‌ای، هرگونه تصمیم‌گیری قیمتی با حمایتی از سوی دولت، به جای اصلاح خود به محرک جدیدی برای گریه‌وغیر تورمی بدل می‌شود. برای نمونه، زمزمه‌های اصلاح و واقعی‌سازی قیمت حامل‌های انرژی از جمله بنزین، حتی اگر اهداف کاهش کسری بودجه باشد، در سایه نااطمینانی موجود موج جدیدی از شوک‌های روانی را به بازار تحمیل می‌کند. به همین ترتیب، طرح‌های حمایتی نظیر دوربر کردن اعتبار کالاگرها از یک میلیون به دو میلیون تومان، این سیگنال منفی را به جامعه مخابره می‌کند که سیاستگذار رسماً ناتوانی خود را در حفظ قدرت خرید مردم پذیرفته و ناچار است از طریق استقراض، انبساط پولی یا تسعیر بالاقلاصه به بازتولید انتظارات تورمی جدید منجر می‌گردد.

در نهایت باید تصریح کرد که تفکیک مطلق سیاست‌های داخلی از تحولات پیرامونی ناممکن است. تا زمانی که ریسک‌های ناشی از تنش‌های نظامی و سیاسی بر فضای کشور حاکم باشد، هر توییت، موضع‌گیری و تحول فرامرزی می‌تواند در کسری از ثانیه بازار را دچار تاطمین کند. با این حال، شرط لازم برای مقاوم‌سازی اقتصاد در برابر این بادهای سهمگین، پایداری دادن به تصمیمات خلق‌الساعه، انضباط مالی بدون دست‌اندازی به پایه پولی و ارتقای شفافیت و سرمایه اجتماعی است؛ چرا که بدون بازسازی اعتماد عمومی هیچ سیستم‌سیاستی قادر به مهار این دور باطل نخواهد بود.